

بهار، فصل رویش در برنامه ریزی های ورزشی

و باز ایرانیان هوشمند، با فرا رسیدن تفریح نوروز، از همه دل مردگی ها و سختی های دیروز فاصله می گرفتند و در ایام عید و بهار کام دل از دنیا برمی گرفتند تا از جور احتمالی زمستان تن آسوده کنند و با عبور از این میر پنج روزی، به گلستان کار و زندگی با طراوت قدم بگذارند و همین نماندن بر دیحور سخت را باز شاعر به زیبایی توصیف کرده است:

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دمی که گذشت هرچه گویی خوش نیست
خوش باش وز دی مگو که امروز خوش است
در صحنه ورزش کشور نیز سالی (دی) گذشت و با همه فراز و فرودهایش باید از آن گذشت و از این اندیشه نوروزی مدد گرفت و پا در رکاب کرد و دفتر سالی با انگیزه و با برنامه را در پیش رو گشود. در سالی که گذشت، مهم ترین رویداد هر چهار سال یک بار بین المللی در ورزش برگزار شد و بازی های المپیک و پارالمپیک در تایلستان آن در ریودوژانیروی برزیل با زیبایی هرچه تمام تر به پایان رسید. کاروان ورزشکاران المپیک و پارالمپیک متناسب با وسع و تلاش خود موفقیت هایی برای کشورمان - هرچند نه در حد انتظار و توقع - به دست آوردند. مدال آوران این دو رویداد با شکوه را باید ارج نهاد که در این فنی ترین، علمی ترین و رقابتی ترین رویداد بین المللی ورزشی باز هم نام جمهوری اسلامی ایران را بر فضای ورزش جهان پرآوازه کردند اما، دریغ و درد که در همین دوره از بازی های پارالمپیک تیغ اجل از نیام برآمد و بهمن گلبارنژاد دوچرخه سوار جانباز را به کمینگاه مرگ کشاند و روانه جایگاه ابدی کرد. بدون تردید این دردناک ترین حادثه این دوره از بازی های المپیک و پارالمپیک بود و شاید جانکاه ترین آن ها در همه دوره های بازی های پارالمپیک.

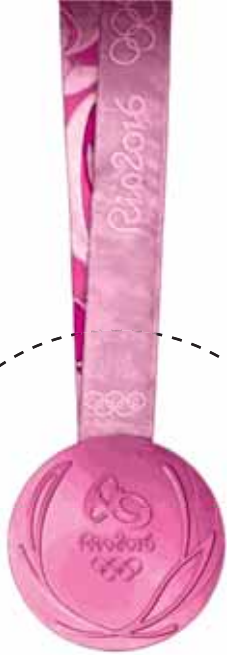
اما، به موجب شعر پیش گفته، باید از این رویداد بد نیز گذشت. ورزش کشور باید جاه و جلال و امیدی چندبرابر، بازی های المپیک و

اندک اندک برفها (اگر برفی باشد) آب می شوند و تاک و تاکستان زندگی تازه ای را آغاز می کنند.

با عبور از این فصل خیلی زیبا، بالا پوش ها از تن ها به در می آیند و لباس های رنگین بهاری تن پوش عابرنی می شود که از ذوق رسیدن بهار از یاد می برند که با دیدن همسایه خود، باید توقف کنند و برایش سالی خوش و با برکت آرزو کنند. بهار، فصل سرعت است. سرعت رویش جوانه ها بر پیکره درختان، سرعت عبور ابرهای ناپایدار در آسمان، سرعت عبور نور خورشید بر دامن صحرا و سرعت ظهور دم به دم شبنم ها بر شاخسار گل ها در صبحگاهان، و سرانجام سرعت نو شدن ها در نوروز، اولین روز بهار. روزهای نوروز بادوام نیستند و از همین رو، همه را به شاد زیستی در چمن زار و بوستان فرا می خوانند:

سخن در پرده می گویم چو گل از غنچه بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی
ایرانیان باستان با هوشمندی خاص خود، این ایام را روز طرب و بستان می دانستند و نشاط و شادی و عید و طرب را در چنین روزهایی به یکدیگر تهنیت می گفتند. این سنت فرخ زیستن در کنار سبزه و موسم نوروز و روز فروردین، ایام جوانی را در دل و قلب ایرانیان از نو شکوفا می ساخت. شاعران شیرین سخن سرزمین ما احساس هم وطنان خود نسبت به بهار را در قالب قطعات نظم بسیار زیبا ستوده اند:

روز عیش و طرب و بستان است
روز بازار و گل و ریحان است
توده خاک عبیر آمیز است
دامن باد عبیر افشان است
لاله از شاخ زمرد به مثل
قدحی از شبه و مرجان است
باز در پرده الوان، بلبل
مطرب بزمگه بستان است
کز بی تهنیت نوروزی
باغ را باد صبا مهمان است
چهره باغ ز نقاش بهار
به نکویی، چو نگارستان است



بوده است - به نظر می‌رسد در آینده هم کمتر تهدید شود. ولی، همه چیز در المپیک می‌تواند تغییر کند و همین امید است که نمی‌گذارد هیچ کشوری خود را از حضور در المپیک کنار بکشد.

پس، از همین حالا باید به المپیک ۲۰۲۰ توکیو بیندیشیم و با برنامه‌ای مدون و جامع بکوشیم حضورمان را به لحاظ کمی افزایش دهیم. از سویی، بکوشیم با همت و تلاش بیشتر دست کم موقعیت فعلی را در بازی‌های المپیک و پارالمپیک آینده حفظ کنیم. با حفظ احترام به همه تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های پیشین، برای موفقیت در آینده (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) باید دست به اقداماتی جدید بزنیم. از جمله:

▣ رشته‌های سنتی و مدال آور خود را بیش از پیش تقویت کنیم و با رفع نقایص مدیریتی، بودجه‌ای و... حتی ان‌شاءالله در بازی‌های المپیک آتی گام‌های بلندتری برداریم و به جای توجه صرف به قهرمانان فعلی آن رشته‌ها، زیرساخت‌ها و بنیان‌های لازم برای توسعه درازمدت آن‌ها را فراهم کنیم تا هیچ‌گاه دغدغه عدم حضور، بازنشستگی، آسیب‌دیدگی قهرمانی را برای حضور در المپیک نداشته باشیم (برای مثال، به بهداد سلیمی بیندیشید که به علت آسیب‌دیدگی او و نبود جایگزین مناسب، برای این قهرمان، نتوانستیم اقتدار دو سه دوره اخیر خود را در سنگین‌وزن‌ترین وزن وزنه‌برداری حفظ کنیم. ▣ شجاع باشیم و رویکردی جدید را تجربه کنیم و برای موفقیت، برای مثال در پنج دوره آتی بازی‌های المپیک، شرایط توسعه همه‌گیر و سپس خوشه‌چینی از آن را دست کم در سه رشته دو و میدانی، شنا و ژیمناستیک فراهم آوریم. به نظر می‌رسد نگاه برنامه‌ای و جامع به این رشته‌ها و رشته‌های پرمدال دیگر در برنامه جامع ورزش کشور ما وجود ندارد. در این باره، ما نمی‌توانیم کاری را که استرالیا در سال ۱۹۸۸ برای بازی‌های المپیک ۲۰۰۰ سیدنی انجام داد و بهره‌گیری از آن در استرالیا هنوز که هنوز است ادامه دارد، انجام دهیم.

با استعانت از بهار و به امید تحقق این رویای دست‌یافتنی، می‌توان گفت:

چو فردا روز نوز است و نوز جهان آید
رود این سال فرتوت و یکی سال جوان آید
از این خوابم چنین پایم که سالی خوش روان آید
که آن نامهربان یارم به خوابم مهربان آید

سردبیر

پارالمپیک چهار سال بعد (یعنی سال ۲۰۲۰) در ژاپن را نشانه رود. بازی‌های المپیک توکیو شاید از یک نظر مهم‌تر باشد و آن این است که بار دیگر بازی‌ها در کشوری آسیایی برگزار می‌شود و کشورهای آسیایی باید بکوشند توانایی‌های فنی ورزشی خود را در این دوره از بازی‌ها به نمایش گذارند و بر حسب سنت، خوش‌رنگ‌ترین مدال‌ها را در خانه آسیا نگه دارند. بدیهی است، در این بزنگاه، نقش ورزش کشورمان چندین برابر مهم‌تر می‌شود. نخست، رقابتی تنگاتنگ با قدرت‌های درجه ۲ آسیا، مثل قزاقستان، تایلند و چین تایپه داریم و باید بکوشیم در مصاف با آن‌ها جایگاه شایسته خود را حفظ کنیم. قدرت‌های درجه ۱ آسیا چین و در رده بعدی ژاپن و کره جنوبی هستند که جایگاه آن‌ها در بازی‌های آسیایی و بازی‌های المپیک هم در سطح آسیا دست‌نیافتنی است و بعید است در بازی‌های ۲۰۲۰ توکیو، تغییری در مرتبه‌شان در کسب مدال در قبال کشورهای آسیایی ایجاد شود. دوم، کشورهای پیشرفته و در حال توسعه نیز می‌دانند که میدان المپیک، جایگاهی رفیع در جهان دارد و می‌کوشند موقعیت دوره پیشین خود را تثبیت کنند یا ارتقا دهند. بدیهی است از هم‌اکنون برای باقی ماندن در جایگاه قبلی سخت می‌کوشند و نیم‌نگاهی هم به رقیبان خود دارند تا از لغزش‌های احتمالی آن‌ها بهره ببرند و در صورت امکان، جایگاه خود را ارتقا دهند. برای مثال، تیم روسیه - که در این دوره از بازی‌ها به دلیل رسوایی‌هایی که در دوپینگ داشت نتوانست در رشته‌های مثل وزنه‌برداری قدرتمندانه حضور یابد؛ با وجود اینکه در این رشته ادعاهایی دارد.

اما از دیرباز، ما یکی از سنتی‌ترین رقیبان آن‌ها در وزنه‌برداری در صحنه‌های جهانی به‌ویژه المپیک بوده‌ایم. بنابراین، بعید نیست **روس‌ها** با شرکت مقتدرانه‌تر در بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ توکیو، موقعیتی را که ما در این دوره از بازی‌ها در وزنه‌برداری به دست آوردیم (۲ طلا)، تهدید کنند. در دوره قبل بازی‌ها (المپیک ۲۰۱۲ لندن) ما در کشتی فرنگی ۳ مدال طلا گرفتیم ولی در این دوره (المپیک ۲۰۱۶ ریو) در کشتی فرنگی دستمان خالی ماند و نتوانستیم حتی یکی از طلاهای دوره قبل را از آن خود کنیم. این موضوع نشان می‌دهد که اقتدار یک رشته عملاً در بازی‌های المپیک جایگاه خود را تا حد زیادی از دست داده است. البته، نادیده نمی‌گیریم که سلطه آمریکاییان در دو و میدانی و شنا و حتی ژیمناستیک - که آخری همیشه از آن آسیایی‌ها

**رشته‌های سنتی
و مدال آور
خود را بیش از
پیش تقویت
کنیم و با رفع
نقایص مدیریتی،
بودجه‌ای و حتی
ان‌شاءالله در
بازی‌های المپیک
آتی گام‌های
بلندتری برداریم
و به جای توجه
صرف به قهرمانان
فعلی آن رشته‌ها،
زیرساخت‌ها و
بنیان‌های لازم
برای توسعه
درازمدت آن‌ها را
فراهم کنیم**